

بقلم : آقای دکتر علی مظاهری

استاد دانشگاه پاریس

## بیستگان ( در ادبیات دری )

(بقیه از شماره قبل)

اول بار اثر وجود ( بیستگان ) در ادبیات دوره سامانی بهم میرسد بعنوان جیره و مواجب سپاهیان (ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف الخوارزمی) در کتاب مفاتیح العلوم که بعهد سامانیان بتازی سمت کتابت یافته گوید :

اصناف الارزاق فی دیوان خراسان ثلاثة ، احدها (حساب العشرینة) وهی اربعة اطماع فی السنة والثانی (حساب الجند) و هو (الدیوان) وهو طمعان فی السنة والثالث (حساب المرتزقه) و هو فی کل سنة ثلاثة اطماع .

سپس گوید :

والاطماع تسمى (الرزقات) فی دیوان العراق واحدها (رزقه) بفتح الراء لانها المرتبة الواحدة من الرزق - انتهى

یعنی اقسام جیره و مواجب سر باز در دولت سامانیان سه تا باشد نخست (حساب بیستگانه خواران) که چهار (طمع) است در سال دودیگر ( حساب جند یا گند ) موسوم به (دیوان) و او دو (طمع) است در سال سدیگر (حساب روزی خواران) و آن سه طمع است در سال .

و مراد از (طمعها) همان است که در دولت آل بویه (رزقات) گویند بجمع و مفرد اورا (رزقه) گویند برون دفعه زیرا که هر رزقه عبارتست از یک بار (رزق) دادن یعنی روزی و گوئیم (رزق) معرب (روزك) یا روزی فارسی است بواو مجهول -

و چنانکه ادبا واقفند (بیستگان) باین معنی در شعر (سبک تر کستانی) و حتی

گاهی در شعر (سبک عراقی) بتقلید سبک تر کستانی مکرر بیامده است - منجمله این ابیات در دیوان (منوچهری) بنظر میرسد :

جهانا چه بدمهر و بدخو جهانی	چو آشفته بازار بازار گانی
توشاه بزرگی و ما همچو لشکر	ولکن یکی شاه بی پاسبانی
یکی رازبن (بیستگانی) نبخشی	یکی رادوباره دهی (بیستگانی)

الخ ...

و لفظ و اصلاح (بیستگانه خوار) در چند موضع (تاریخ بیهقی) موجود است و ادبای ما بآن آشنا هستند .

در عهد سامانیان پول نقد فراوان بود هم در ملک سامانی هم در ملک آل - بویه - پول نقره سامانیان بعبار نقره چینی بودی آنرا سیم یازر (طلغم) گفتندی و طلغم لفظ سغدی (درهم) است که آنرا بخط سغدی (ط ل غ م) نوشتندی و خرده آن پول را بخط سغدی (پ ن ی) نوشتندی که عبارت باشد از (دانگ) و همانا در نتیجه تماس با تاجران خوارزمی است که لئانده پول خرده را Penny و آلمانها او را Pylennig گویند بلفظ و عبارت سغدی و روسان و سایر صقالیه پول خرده را (دن گی) گویند یعنی دانگ و در عصر سامانیان بسیاری از شهرهای اروپا مانند (کایوف) Kiew و (کرکاو) Cracovie در روسیه و لهستان و حتی شهر (پست) Buda-Pest پایتخت مجارستان از مستعمرات تجار (بخارا) و (خوارزم) بود فعلا از آنجاها پول سامانی بسیار بدست میآید و همچنین سنگ نبشتههای صندوقهای قبور تجار سامانی و خوارزمی .

دیوان سامانیان در بخارا دنباله دیوان یعقوب لیث و آل ظاهر بود در نیشابور و مافوقاً گفتیم که یعقوب لیث گروهی از (الانان) خراسانی یعنی اجداد بلوچهای فعلی را در خدمت سربازی داشت و نیز امکان هست که (ابومسلم) مروزی مبدع

سلسله بنی عباس نیز اجداد بلوچ‌ها را که در آن عهد در تر کمن صحرای فعلی بر حله الشتا والصیف مینویسند در خدمت سر بازی داشته بوده است لکن دیدیم که در لغت و زبان الانان قفقاز و الانان خراسان یعنی بلوچ‌ها عقد حساب بر ( بیستگان ) میگردد پس اصطلاح ( بیستگان ) از آنجا خواهد بود آنچه فعلا مشهورست به ( ترکستان ) بحقیقت در عهد صفاریان و سامانیان ( بلوچستان ) خواهد بود و آنچه فعلا شهرت دارد به ( بلوچستان ) در آن زمان به ( مکران ) و ( سند ) مشهور بود و ترکستان حقیقی در آن روزگار در شرقی ( قزاقستان ) کنونی میافتاده است .

علمت عمده زوال آل سامان و آل بویه تقلیل پول نقره بود که ناگاه معادن خراسان مثل معدن ( پنجهپر ) از آن تهی شد و پول نقره ایران قسمتی بچین و قسمتی هم باروفا انتقال یافت و آل سامان و آل بویه ناچار ورشکست شدند - غزنویها که آمدند چند کورت هندوستان را غارت کردند لکن پول کافی بدست نیامد و عاقبت ورشکست شدن دولت موجب ورشکست مردم شد و ترکان و ترکمانان از ( بلخان ) کوه در ایران رخنه کردند .

چنانچه شرح آن در تاریخ ( بیهقی ) و تواریخ سلاجقه مشهور است و چون پول نمانده بود رسم شد که بسر بازان ( نان پاره ) و تیول دهند بهر یک پاره را از املاک خراسان و عراق و ملوک الطوائفی سلاجقه که ممالک تقسیم شد به ( اتابیک نشین ) های متعدد از آنجا آغاز نهاد معینا دولت برسم ( عیدی ) چیزی بهر سر باز دادی که آنرا ( جامگی ) گفتندی و نام سر باز که قبلا ( بیستگانی ) خوار بود مبدل شد به ( جامگی خوار ) چنانکه نظامی فرماید علیه الرحمه .

که ای ( جامگی خوار ) تدبیر من ز جام سخن چاشنی گیر من

( شرفنامه )

و در ادب دری هم چندانکه ( بیستگانی ) و ( بیستگانی خوار ) در ( سبک تر کستانی بنظر میرسد ( جامگی ) و ( جامگی خوار ) در سبک ( عراقی ) یعنی از آن ملوک الطوائف سلجوقی و غزیه بنظر میآید .

عربان آنرا ( الجامکیه ) گفتندی یعنی آن اندک وجهی را که پادشاه بعنوان ( عیدی ) بسپاهیان الطواشیه - تاش ها ) میدهد - و ( تاش ) غلامست .

من وتو هر دو خواجه تاشانیم      بنده      بارگاه      سلطانیم

( سعدی علیه الرحمه )



( سبک هندی ) آخرین سبک شعر و ادب دری است و همعصر با اودر معماری سبکی است مشهور به ( مقرنس ) که درین جادونیم سبک داریم یکی ( المقرنس الساج ) مقرنس ساده و دیگر ( المقرنس الشیرازی ) مقرنس شیرازی ( راجع مفتاح الحساب لغیاث الدین جمشید الکاشی ) درین سبک در معماری کاشی های معرق ( القاسانی المعرق ) یعنی کاشیکاری بطرز ( عراق عجم ) معمول میشود و حال آنکه معماری معاصر سبک تر کستانی اساسش بر ( ازج ) بود و بوزن کرج که فارسی او دیر باشد و فرنگان نظیر او در دیار خود *art gothique* گویند یعنی در گاه و طاق ( ازجی ) را بوزن نمدی ( گوتیک ) گویند و درین سبک کاشی معرق در حکم النادر کالمعدوم و تزئینات تماماً با آجرهای برجسته است .

بشهادت خرابهای غزنین قدیم و خرابه های گرگان قدیم و گور کیکاوس در گرگان ( گنبد قابوس ) فعلی نیز بر آن گواه باشد .

سبک معماری پیش از ( ازج ) سبکی است نظیر آنچه فرنگان *art roman* نامند یعنی معماری ( بنظیه ) که عبارت باشد از اسلامبول عهد نصاری در عربی

آنرا ( الطاق ) نامند مطلقاً سقف در گارها و گنبدها درین سبک بر شکل نیمدایره است یا نیم کره .

ابنیه اشکانی و ساسانی از این سبک است و در عهد سامانیان تا اواسط روزگار ایشان همین سبک معمول بوده و نمونه‌های آن در خرابه‌های ( ترکستان ) پدیدارست لکن در اواسط سامانی و باز بخصوص در اواخر این سبک ( ازج ) معمول شد در شعر نیز خاتمه سبک ( ترکستانی ) و آغاز سبک ( عراقی ) زماناً روشن نیست البته ( فرید الدین عطار ) کاملاً سبک عراقی دارد و عموم متصوفه قدیم از سبک عراقی پیروی میکنند لکن ( انوری ) که مقلد ( ابوالفرج رونی ) است سبکاً ترکستانی است گو اینکه زماناً معاصر ( خاقانی ) است علیه الرحمه که او و علی‌الخصوص ( کمال الدین اصفهانی ) و ( نظامی ) رحمة الله علیه بهتر نمونه‌های سبک عراقی میباشند .

### حکمت

هر که با بدان نشیند نیکی نه بیند .

مثنوی

گر نشیند فرشته‌ای با دیو

وحشت آموزد و خیانت و ریو .

از بدان نیکوئی نیاموزی

ناید از گرگ پوستین دوزی

( سعدی )